

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٣١ هـ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

عنوان پایان نامه:

گفتمان روشنفکری و نقش آن در شکل گیری دولت مطلقه رضاشاه پهلوی

استاد راهنما:

دکتر صادق زیبا کلام

استادین مشاور:

دکتر احمدی - دکتر خالقی

دانشجو:

احمد رضا رحیمی کلاریجانی

دکتری علوم سیاسی

کتابخانه اساتید بزرگ علمی بزرگ  
تهران - بزرگ

۱۳۸۹/۱/۲۸

زمستان ۱۳۸۸

۱۳۳۸۵۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی علوم سیاسی

گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : آقای احمد رضا رحیمی کلاریجانی

در رشته : علوم سیاسی

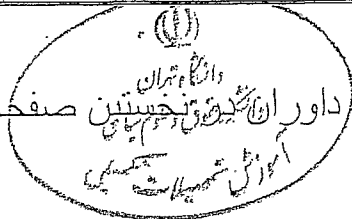
گرایش :

با عنوان : گفتمان ره‌شنفکری و نقش آن در شکل‌گیری دولت مطلقه رضا شاه

را در تاریخ : ۱۳۸۸/۱۱/۱۸ با درجه بسیار خوب و نمره ۱۸/۱۵ ارزیابی نمود.

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر صادق زیباکلام	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر حمید احمدی	استاد	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر احمد خالقی	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی	استادیار	دانشگاه علامه طباطبائی	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر سید رحیم ابوالحسنی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر عباس مصلی نژاد	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر احمد خالقی	استادیار	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در صفحه پایانی نامه درج می‌گردد



به یاد:

شهید سیامک ولی پوریان دانشجوی رشته علوم سیاسی ورودی ۱۳۶۶

و شهید شهاب الدین اسماعیلی زابزطآخر آرون

تقدیم به مادر عزیزم به پاس خوبیهای بی پایانش

و روح پر فتوح پدرم

با شکر از همه مردم

به نشانه پاس از مهدی، همزای، و برداری

و

به خلاوت زندگی ام فرزندان عزیزم

مریم و محمد مهدی

باساس و قدرانی از:

اساتید بزرگوار و گرامی

جناب آقای صادق زیباکلام، آقای احمدی، آقای خالقی و آقای مصطفی نژاد که مراد

تدوین و انجام رساله راهنمایی و هدایت نموده اند و نیز با شکر و با سپاس از اساتید دیگر که بازخات

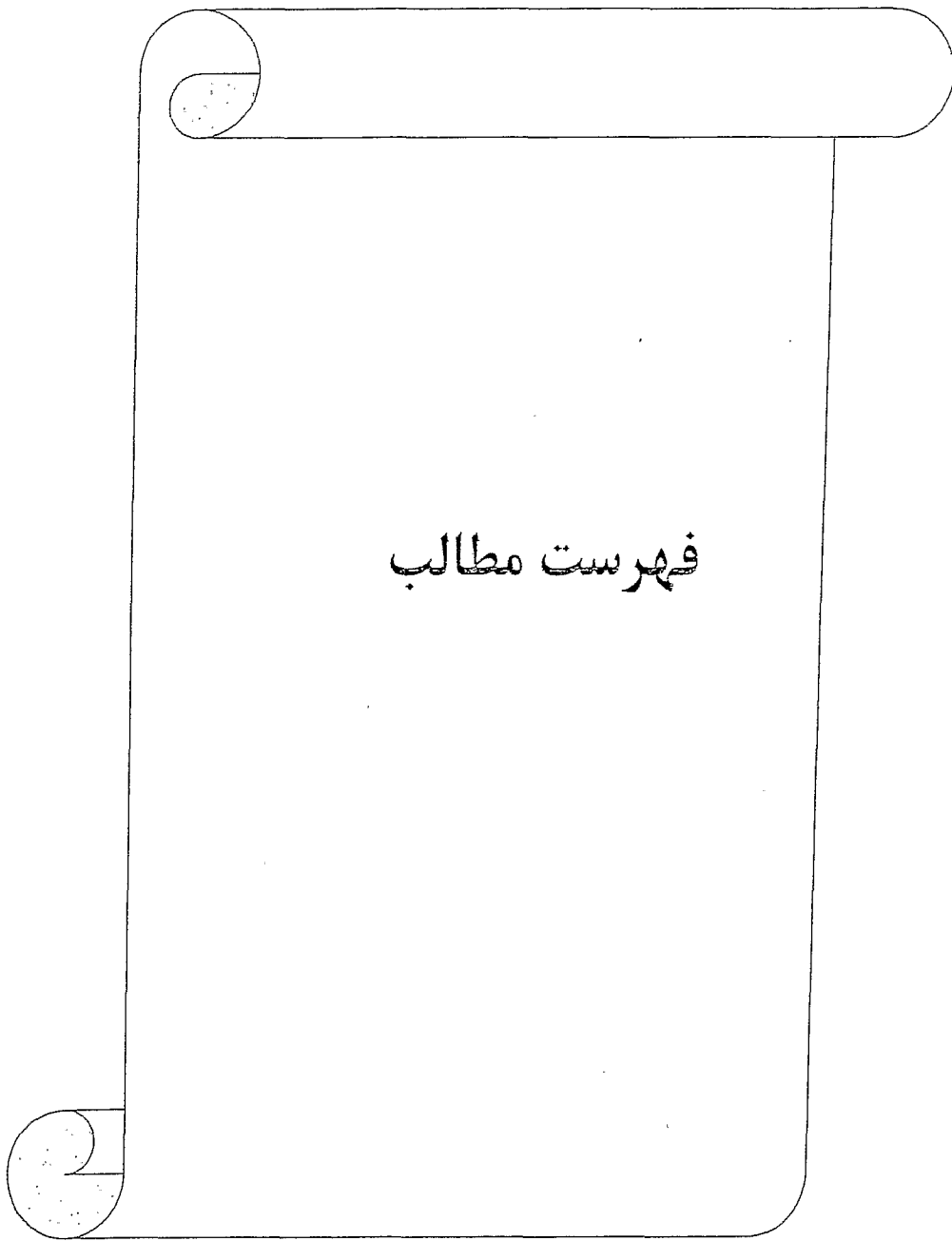
آنها توانستم این رساله را به پایان برسانم.

## چکیده

هرچند که متخصصین و پژوهشگران علوم سیاسی بخصوص نویسندگان تاریخ ایران معاصر از زوایای مختلف به حوادث سیاسی ایران معاصر بویژه سالهای استقرار دولت مشروطه از فراز و فرود مشروطه خواهی تا شکل گیری دولت مطلقه پهلوی پرداخته اند و در پاسخ به چرایی مستعجل بودن مشروطه خواهی و برآمدن رضاشاه دلایل متعددی را مطرح و مورد کنکاش قرار دادند اما به زعم ما قطعه های کور و نهانی وجود دارد که واکاوی آن ما را در تبیین چرایی مستعجل بودن مشروطه خواهی و برآمدن دولت مطلقه رضاشاه باری می نماید. تبیین سیر تحولات سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ با الگو برداری از رهیافت‌هایی چون نظریه استبداد شرقی و شیوه تولید آسیایی، رهیافت وابستگی، نظریه تکوین دولت مطلقه، نظریه نظام‌های سلطانی و نظریه دولت رانتیر، توسط محققان و پژوهشگرانی چون آبراهامیان، کاتوزیان، نیکی کدی، جان فوران، شاپور رواسانی، بشیریه، ... صبرت پذیرفته است. با وجود تحقیقات ارزنده صورت گرفته بررسی مورکفانه و نقادانه سیر تحولات مقطع مذکور، امکان واکاوی فراز و نشیب‌های سیاسی این دوره را فراهم می نماید. تبیین مفصل بندی و اجزای مولفه های اثر گذار بر سیر تحولات این مقطع ما را به این فرضیه هدایت نمود که گفتمان روشنفکری نقشی تعیین کننده در فرایند شکل گیری تحولات سیاسی ایران معاصر داشته است. لذا به منظور تبیین فرضیه مذکور چارچوب نظریه گفتمان بخصوص نظریات لاکلائو و موفه به عنوان مبنای روش شناسی این رساله بکار گرفته شده است. در فصل اول اجزاء و چارچوب تحقیق پرداخته شد. و در فصول بعدی به تبیین گفتمان روشنفکری اختصاص یافت، هرچند که گفتمان روشنفکری با کودتای ۱۲۹۹ و پس از آن استقرار سلسله پهلوی به عرصه سپهر عمومی نقش تعیین کنندگی قواعد و چارچوب تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را به عنوان گفتمان هژمون پیدا کرد اما تبیین این فرآیند مستلزم بررسی تحولات سالهای قبل از ۱۲۹۹ بوده است که ما در این رساله در ذیل عنوان گفتمان مشروطه خواهی به آن پرداخته ایم. مهمترین اجزاء مفصل بندی گفتمان مشروطه خواهی عبارت بود از: مجلس، تفکیک قوا، ملت، جامعه مدنی و قانون، با استقرار نظام سیاسی مشروطه و امکان انضمامی شدن اجزای مشروطه خواهی فراهم گردید. در چنین شرایطی اجزاء گفتمان مشروطه از معنای استعاری عبور و در شرایط معنای خاص عینیت یابی قرار گرفتند و در این مرحله گفتمان مشروطه با سلسله ای از بی قرارها روبرو شد که یکی از مهم ترین جلوه آن رامی توان در واگرایی در همبستگی سیاسی و حتی جغرافیایی ایران ملاحظه نمود. انسجام و یکپارچگی سیاسی و اجتماعی و سرزمینی ایرانی دچار شکاف شد. گفتمان مشروطه خواهی علی رغم دستیابی به یک پیروزی ظاهری و تبدیل شدن به گفتمان

هممون با عینیت بخشیدن اجزایی چون مجلس و قانون، در یک دوره تاریخی، مشروطه نتوانست پایداریماند طبیعی بود که در این شرایط نابسامان فکر تغییر اوج گیرد نظریه ها و اسطوره های جدید برای رهایی آشفستگی و بی قراری ظهور نماید. روشنفکران سرخورده از مشروطه سردمداری نئکراسی را بر عهده گرفتند. روزنامه ها و مجلاتی چون کاوه، نامه فرهنگستان و آینده به کانون اصلی طرح نظریه ها و اندیشه های جدید تبدیل شدند و زمینه های ظهور گفتمانی نو در عرصه سیاست را فراهم کردند. ناسیونالیسم، دولت مطلقه، سکولاریسم، مهم ترین اجزاء گفتمان در حال ظهور را تشکیل می دادند. حامیان این گفتمان جدید عمدتاً روشنفکران سکولار قبلاً مشروطه خواه بودند که به جای دموکراسی و آزادی این بار منادی استبداد ممتور شده و به دنبال دیکتاتوری مصلح و انقلابی گشتند تا ایران را به زور به قافله تمدن نزدیک کنند. گفتمان جدید سرانجام شخصیت خود را در رضاخان یافت و او را برای رسیدن به قدرت یاری کرد، رضاخان روشنفکر نبود، حتی به سختی خواندن و نوشتن می دانست اما روشنفکران تصویری کردند که وی را به زعم تربیت فزاقی اش می توان با کمک های فکری به دیکتاتور مصلح و معمار توسعه ایران تبدیل کرد. و بدین ترتیب چراغ کم فروغ مشروطه پس از بیست سال در جامعه ایرانی به خاموشی گرایید و گفتمان جدید با تکیه بر ناسیونالیسم، سکولاریسم، تجدد گرایی، دولت مطلقه شکل گرفت.





فهرست مطالب

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	بخش اول: مقدمه
۳	بیان مسأله
۳	اهداف پژوهش
۴	اهمیت و ضرورت پژوهشی
۵	سوابق یا پیشینه ( ادبیات موضوع )
۹	مبانی یا چارچوب نظری
۱۱	مفروض
۱۱	سوال اصلی
۱۲	فرضیه
۱۲	تعاریف مفاهیم اساسی پژوهش
۱۳	روش تحقیق
۱۳	متغیرها
۱۳	حوزه مورد تحقیق
۱۳	فصل بندی پژوهش
۱۵	بخش دوم: مبانی تئوریک
۱۶	تحلیل گفتمان
۱۷	مفهوم گفتمان
۱۸	فرآیندهای گفتمان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	فصل اول: کلیات تحقیق
۳	بخش اول: مقدمه
۴	بیان مسأله
۴	اهداف پژوهش
۵	اهمیت و ضرورت پژوهشی
۶	سوابق یا پیشینه ( ادبیات موضوع )
۱۰	مبانی یا چارچوب نظری
۱۲	مفروض
۱۲	سوال اصلی
۱۳	فرضیه
۱۳	تعاریف مفاهیم اساسی پژوهش
۱۴	روش تحقیق
۱۴	متغیرها
۱۴	حوزه مورد تحقیق
۱۴	فصل بندی پژوهش
۱۵	بخش دوم: مبانی تئوریک
۱۶	تحلیل گفتمان
۱۷	مفهوم گفتمان
۱۸	فرآیندهای گفتمان

۱۸	.....	متصل بندی گنتمان
۱۸	.....	ضدیت سازی
۲۰	.....	فردیت و عاملیت
۲۰	.....	سلطه و استیلا
۲۲	.....	ظهور و سقوط گنتمانها
۲۲	.....	گنتمان و قدرت
۲۳	.....	گنتمان و ایدئولوژی
۲۳	.....	قواعد تحلیل گنتمان
۲۶	.....	سطوح تحلیل گنتمان
۲۷	.....	فصل دوم: گنتمان مشروطه خواهی
۲۸	.....	گنتمان سستی
۳۰	.....	اجزاء گنتمان سستی
۳۰	.....	پادشاه
۳۱	.....	خاندان سلطنتی
۳۲	.....	روحانیون
۳۵	.....	تجار و بازرگانان
۳۷	.....	اشراف زمینداران
۳۷	.....	قدرتهای خارجی
۳۹	.....	پیدایش گنتمان مشروطه
۵۰	.....	اجزای گنتمان مشروطه

۵۰	..... مجلس
۵۲	..... تفکیک قوا
۵۴	..... علت
۵۶	..... جامعه مدنی
۵۷	..... قانون
۶۱	..... روشنفکران دوران مشروطه
۷۱	..... بررسی ابعاد مختلف ناکامی گفتمان مشروطه خواهی
۸۳	..... فصل سوم: گفتمان روشنفکری
۸۷	..... روشنفکری در ایران
۹۶	..... حاملان گفتمان روشنفکری
۱۰۱	..... مفصل بندی گفتمان روشنفکری
۱۰۳	..... ناسیونالیسم
۱۲۰	..... دولت مقتدر
۱۴۰	..... سکولاریسم
۱۴۲	..... تجدد گرایی
۱۴۹	..... فصل چهارم: تاثیر گفتمان روشنفکری بر دولت مطلقه رضاشاه
۱۵۰	..... ناکامی مشروطه و رسیدن به دولت مطلقه
۱۵۱	..... نظریه دولت مطلقه در ایران
۱۶۰	..... کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش

فهرست مطالب

---

۱۶۹	..... واکنشهای ایرانیان در برابر کودتا
۱۷۳	..... از کودتا تا روی کار آمدن پهلوی
۱۷۸	..... مفصل بندی دولت مطلقه رضاشاه
۱۷۹	..... ناسیونالیسم
۱۸۴	..... تجددگرایی
۱۹۳	..... سکولاریسم
۲۰۴	..... دولت مطلقه
۲۲۶	..... نتیجه گیری
۱-۱۶	..... فهرست منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات تحقیق

هرچند که متخصصین و پژوهشگران علوم سیاسی بخصوص نویسندگان تاریخ ایران معاصر از زوایای مختلف به حوادث سیاسی ایران معاصر بویژه سالهای استقرار دولت مشروطه تا فراز و فرود مشروطه خواهی و شکل گیری دولت مطلقه پهلوی پرداخته اند و در پاسخ به چرایی مستعجل بودن دوران مشروطه خواهی و دولت مشروطه دلایل متعددی را مطرح و مورد کنکاش قرار دادند و پاسخ هایی را مطرح نمودند، اما به زعم ما همچنان قطعه های کور و نهانی وجود دارد که نه تنها می تواند ما را در تحلیل چرایی دوران مستعجل دولت مشروطه و برآمدن دولت مطلقه پهلوی یاری نماید بلکه نظر به اهمیت مولفه های مستتر در این چرایی و نقش آن در ادوار مختلف تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر و عدم پاسخ به آن یک خلاء اساسی را در تبیین تئوریک علل برآمدن دولت مطلقه در ایران برجای خواهد گذاشت. مسئله ای که علیرغم گذشت نزدیک به یک قرن و با وجود تلاش های متعدد پژوهشگران و محققین و نویسندگان و پاسخ های متعدد همچنان ابهامات زیادی را در متن خود دارد و نیاز به کنکاش مجدد را می طلبد. لذا به زعم ما واکاوی مجدد این قطعه تاریخی نه تنها یک ضرورت است بلکه ما را هدایت خواهد نمود تا با یک تحلیل جامع و اثر گذار علمی به فراز و نشیب های تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در طی یکصد سال اخیر بپردازیم.

شاید به جرأت به توان گفت که گفتمان روشنفکری در تاریخ ایران معاصر پررنگ ترین گفتمان در اثربخشی تحولات سیاسی ایران بوده است و همچنان یا بعنوان گفتمان رقیب و یا بعنوان گفتمان هژمون با روایت های مختلف به حیات خود ادامه می دهد. اما اثربخشی این گفتمان فراز و نشیب هایی با خود داشته که قابل تأمل بوده است که پرداختن به آن از جانب یک محقق بیطرف ضروری خواهد بود. علیرغم اینکه قطعات درخشان و ماندگاری اثربخشی گفتمان روشنفکری در تحولات سیاسی و حوادث وقایع سیاسی ایران معاصر وجود دارد، اما لایه های پنهانی از اثر بخشی گفتمان روشنفکری در ساماندهی تحولات سیاسی وجود دارد که در حوزه عمل سیاسی بعضاً چهره ای مخدوش و وقایعی نامطلوب از خود بر جای گذارده است: از جمله نقش آن در شکل گیری دولت مطلقه رضاشاه پهلوی و استقرار پنجاه سال حکومت مطلقه در ایران، کار ویژه ای که نه تنها منجر به انحراف در مسیر مشروطه خواهی بخصوص مبارزه با استبداد بلکه منجر به یک گسست عظیم در تاریخ ایران معاصر و برون رفت از مسیر رشد و توسعه متوازن و استقرار نظم سیاسی مشروطه شده است بلکه در متن خود منجر به تحلیل نیروی فکری و سیاسی و اجتماعی جامعه ایران شده است و جامعه ایرانی را از دستیابی به نظام سیاسی مطلوب مطابق نشانهای نهفته در آرمان مشروطه



خواهی با تأخیر پنجاه ساله مواجه نموده است.

بیان مسله

در پاسخ به چرایی استقرار دولت مطلقه رضاشاه علی رغم گذشت زمان نه چندان طولانی از جنبش مشروطه خواهی ایران محققین و پژوهشگران تحقیقات ارزنده ای را انجام داده اند. اما این تحقیق با احترام به نظریات ارائه شده بر این باور است که همچنان نکته ابهامی وجود دارد که پرداختن به آن می تواند ما را در حل مسئله رهنمون گردد بر مبنای چارچوب نظری این تحقیق که متعاقباً بدان خواهیم پرداخت. انجام مطالعات تاریخی با رویکرد جدید، و پاسخگویی به چرایی استقرار دولت مطلقه رضاشاه بدان خواهیم پرداخت. انجام مطالعات تاریخی با رویکرد جدید، و بررسی سیر تحولات، نقش و جایگاه بازیگران عرصه تحولات سیاسی ایران سالهای منتهی به استقرار دولت پهلوی نمایانگر نقش برجسته گفتمان روشنفکری در ایجاد رخدادهای سیاسی و جهت گیری سیاسی این دوران می باشد. لذا در تحلیل چگونگی برآمدن دولت رضاشاه نمی توان نقش گفتمان روشنفکری را بعنوان یک متغیر مستقل و اثرگذار نادیده گرفت. مادرین تحقیق به این امر خواهیم پرداخت که گفتمان روشنفکری بعنوان یک متغیر مستقل چگونه تاثیر خود را بر استقرار دولت مطلقه گذاشت. البته ناگفته نماند که فقط گفتمان روشنفکری در استقرار دولت مطلقه تاثیر مطلق نداشته است. و نمی توان فقط این مسله را تاثیرگذار دانست. بلکه مسائل دیگری را نیز در این امر می توان دخیل دانست. ناکامی انقلاب مشروطه در دستیابی به بعضی از اهدافش که به علت وجود یکسری عوامل تاریخی، تصادفی و عوامل ساختاری بود، در تکوین دولت مطلقه موثر افتاد. از نظر تاریخی دخالت بیگانگان به خصوص در امور مجلس، جنگ جهانی اول و اشغال کشور به دست متفقین، وقوع شورشهای قومی و محلی در کشور، از عواملی بودند که ضرورت ایجاد دولت مرکزی نیرومندی را ایجاد می کردند. اما بحث اصلی پژوهش ما به تاثیر گفتمان روشنفکری بر استقرار دولت مطلقه می باشد.

اهداف پژوهش :

این پژوهش دارای یک هدف اصلی و یک هدف فرعی می باشد. هدف اصلی این پژوهش گفتمان روشنفکری را بعنوان یک دال مرکزی تأثیر گذار بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران مورد کنکاش و واکاوی قرار می دهد و

پیامدهای گفتمان روشنفکری در حوزه عمل سیاسی در یک برهه زمانی خاص می پردازد و استقرار و تثبیت دولت مطلقه رضاشاه هدف فرعی این پژوهش، می باشد. هر چند که گفتمان روشنفکری در ادوار مختلف تاریخ ایران معاصر و با نحلله های مختلف فکری حضوری پر رنگ داشته و در حوزه عمل سیاسی منشاء بسیاری از تحولات وقایع بوده است اما هدف اصلی و فرعی در این تحقیق پرداختن به میزان نقش آفرینی گفتمان روشنفکری در شکل گیری دولت مطلقه رضاشاه می باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش :

اهمیت این تحقیق را می توان هم به جهت هدف اصلی و هم از جهت هدف فرعی تحقیق ترسیم نمود. در هدف اصلی تحقیق بازبینی نقادانه و موشکافانه به نقش گفتمان روشنفکری در حوزه عمل سیاسی دارای اهمیت است. نشانه های حضور هژمونیک گفتمان روشنفکری در عرصه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و بطور کلی در ساخت قدرت در ایران را می توان از دوران مشروطه تا دوره حاضر بصورت پر رنگ ملاحظه نمود. وقایع و حوادث متعددی در تاریخ ایران معاصر به وقوع پیوست که نشانه های مثبت یا منفی حضور گفتمان روشنفکری در آنها را می توان ترسیم نمود. حوادث تاریخی و بزرگی چون انقلاب مشروطه، استقرار دولت مطلقه رضاشاه، نهضت مقاومت ملی ... و انقلاب اسلامی ایران. بنابراین باتوجه به نقش پر رنگ و مستمر گفتمان روشنفکری در تحولات مربوط به ساخت قدرت در ایران پرداختن به آن یک اهمیت غیرقابل کتمان و قطعاً ضروری می باشد. هر چند که برخی حاملان گفتمان روشنفکری در ادوار مختلف تاریخی در ایران با در اختیار داشتن ابزارهای پر نفوذی چون روزنامه ها، کتابها و... تبدیل به قاعده مسلط بر عرصه تاریخ نگاری ایران شده اند و امکان موشکافی نقادانه نقش گفتمان روشنفکری را در عرصه عمل سیاسی تنگ نموده اند. اما این گفتمان بعنوان یک واقعیت همواره در تاریخ ایران حضور داشته و دارد و این امر نشان از اهمیت جایگاه آن در تحولات سیاسی و متعاقب آن می تواند نمایانگر الهام بخش اهمیت کالبد شکافی آن برای دانشجویان و محققان باشد. از جهت دیگر یعنی (هدف فرعی) بررسی چرایی استقرار دولت مطلقه رضاشاه هم در این تحقیق می تواند دارای اهمیت باشد، که با توجه به وضوح و مبرهن بودن آن بدان نمی پردازم اما برای جلوگیری از کلی گویی به منظور ترسیم اهمیت و ضرورت پژوهش اشاره ای گذرا به مقاله ای از مرحوم دکتر جواد شیخ الاسلامی در کتاب قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی می نمایم.

در این کتاب آقای دکتر شیخ الاسلامی مقاله ای دارد تحت عنوان توسعه بیسوادی در دانشگاههای ایران . در پاراگراف اول مقاله مرحوم دکتر شیخ الاسلامی می نویسد : « در سال ۱۹۴۸ میلادی که در انگلستان دانشجوی اقتصاد و سیاسی بودم کتابی از نویسنده نامدار آلمانی امیل لودویک بدستم رسید که در آن این مطلب حساس مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته بود که چرا ملت بزرگ و با استعدادی مثل آلمان که این همه فیلسوف، دانشمند، مخترع، موسیقی دان، پزشک، کاشف و نویسنده درجه اول به دنیا داده است غالباً در سیاست اشتباه می کند و زمام امور و سرنوشت خود را بدست افرادی نظیر گروهان هیتلر می سپارد تا با سیاستهای نامعقول خود با هست و نیست ملتی بازی کند و سرانجام نیز باعث تجزیه و اضمحلال سیاسی همان ملت گردند.»

بنابراین بعد دیگر اهمیت این تحقیق، پاسخ به این سوال جدی است که چرا علی رغم اینکه ملت ایران با تلاش و همت نخبگان و دیگر اقشار جامعه ایران دست به انقلابی مهم یعنی انقلاب مشروطه زده است و برای مبارزه با استبداد جان های فراوانی تقدیم نمود اما اندک زمانی از این فداکاریها نگذشته بود که بخشی از همان نخبگان و اقشار مردم، رهبری و هدایت جامعه خود را بدست فردی سپردند که در چنته خود پیشینه ای جز فرماندهی یک هنگ نظامی را نداشته است، و با اقدامات خود یک گسست عظیم و پنجاه ساله در تاریخ ایران معاصر ایجاد نماید و موجبات تحلیل توان فکری و سیاسی جامعه و سکون و ایستایی در تحول و پویایی جامعه ایران را ایجاد نماید و اثری از مشروطه و مشروطه خواهی در ایران بر جای نماند. با الهام از مقاله آقای دکتر شیخ الاسلامی می توان گفت که این وظیفه محققان و پژوهشگران اعم از اساتید محترم و دانشجویان علوم سیاسی است که با انجام تحقیقی جامع و مانع نکات پنهان و نهان وقایع و حوادث تاریخی را روشن و در اختیار مردم بخصوص نسل جوان قرار دهند.

سوابق یا پیشینه ( ادبیات موضوع ) :

با نگاهی گذرا به آثار و منابع نوشتاری بخصوص کتب و مقالات علمی و تحقیقاتی با رویکردهای مختلف تاریخی و جامعه شناختی می توان منابع متعددی را جمع آوری کرد که هر یک مطابق الگو و سمت گیری خاص خود به مطالعه و تحلیل تحولات و وقایع سیاسی و اجتماعی ایران در مقطع تاریخی مورد نظر در این تحقیق پرداختند. به هر حال برآمدن دولت مطلقه رضاشاه هم از منظر مقطع زمانی ظهور قدرت وی و هم از نظر اقدامات و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بعد از استقرار دولت رضاشاه واقعه ای نبوده که مورد توجه پژوهشگران و

محققین قرار نگرفته باشد. همچنین نقش آفرینی های متعدد گفتمان روشنفکری در ادوار مختلف تاریخ ایران معاصر هم مسئله ای نبوده که مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار نگرفته باشد. لذا می توان بخش وسیعی از کتب و مقالات معتبر علمی و پژوهشی با رویکردهای تاریخی و جامعه شناختی را اشاره کرد که هر یک از زاویه خاص خود به موضوع پرداخته اند و نظریه های متعددی را تبیین نموده اند.

- یرواند آبراهامیان، همایون کاتوزیان و محمدعلی خنجی از برترین اندیشمندان ایرانی هستند که با الگوبرداری از نظریه استبداد شرقی یا شیوه تولید آسیایی به چرایی برآمدن دولت مطلقه رضاشاه در ایران پرداخته اند. یرواند آبراهامیان در مقاله ای تحت عنوان استبداد شرقی در دوره قاجار تلاش کرده است با کاربست نظریه استبداد شرقی مارکس در عصر قاجار به چرایی برآمدن دولت مطلقه رضاشاه در ایران بپردازد. درنگرش وی سلاطین قاجار مستبدانی بدون ابزار استبداد دانسته می شوند که پراکندگی اجتماعی و اقتصادی ایران در آن دوره، امکان اعمال سلطه استبدادی از سوی آنها را فراهم ساخته بود. این نتیجه گیری تاحدودی وی رابه ایده مارکس نزدیک می کند که امکان اعمال سلطه استبدادی از سوی حاکم را نه به خاطر قدرت دولت بلکه ناشی از ضعف جامعه دانسته بود. همچنین او در کتاب ایران بین دو انقلاب نیز به تفصیل این دوران پرداخته است. همایون کاتوزیان از دیگر نویسندگان ایرانی است که تلاش کرده است با بهره گیری از نظریه استبداد شرقی در مقاله ای تحت عنوان «جامعه کم آب و پراکنده الگوی تحول درازمدت اجتماعی و اقتصادی در ایران» و در کتاب اقتصاد سیاسی ایران با ترسیم الگویی خاص که متاثر از الگوی شیوه تولید آسیایی است مدعی شد که می توان با بهره گیری از نظریه شیوه تولید آسیایی مارکس حقایق مهم تاریخی و واقعیات تاریخ ایران را تبیین کرد. علاوه بر این همایون کاتوزیان با طرح نظریه شبه مدرنیسم در کتابهای «استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، اقتصاد سیاسی در ایران، دولت و جامعه در ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» در صدد برآمده تا با استفاده از این نظریه بخش اعظمی از دولت پهلوی را در مقطع زمانی ۱۳۰۵ تا ۱۳۵۷ تشریح نماید. محمدعلی خنجی نیز تلاش کرده است تا در سلسله مقالاتی ارزش نظریه شیوه تولید آسیایی رابه بحث گذارد. وی در مقام دفاع از نظریه وجه تولید آسیایی مارکس آن را نظریه ای قلمداد می کند که حقایق مهم تاریخی خطوط کلی آن را تبیین می کند و به رغم ابهام هایی که دارد می تواند واقعیات تاریخ شرق را تبیین نماید.